

## عوامل اجتماعی موثر در مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان شهر گنبد کاووس در استان گلستان)

دکتر عالیہ شکر بیگی \*

بہروز حسین پناہی \*\*

### چکیده

مقاله حاضر بر اساس پژوهشی با هدف شناسایی عوامل اجتماعی موثر در مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان شهر گنبد کاووس تهیه شده است. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است که روایی آن از طریق آلفای کرونباخ حداقل ۵۹ درصد برای پرسش‌های پایگاه اجتماعی- اقتصادی و حداکثر ۷۲ درصد برای پرسش‌های مشارکت اجتماعی محاسبه گردید. همچنین اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا صوری تایید شده است. جامعه آماری پژوهش، کلیه زنان ساکن شهر گنبد کاووس که در زمان انجام تحقیق دارای ۱۷ سال تمام بوده اند، شامل شده است. در مجموع ۴۰۰ نفر از این زنان به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. چهارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریات پوتنام، گوئل و میلبراث و لیپست شکل گرفته است. متغیرهای مستقل مدل تحلیلی که در پی تبیین متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی- سیاسی) بوده‌اند، شامل سن، وضعیت تاهل، اعتماد اجتماعی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی بوده است. بر اساس تحلیل رگرسیونی داده‌های تحقیق، تمامی فرضیه‌های هفت گانه تحقیق تایید شدند. از میان چهار متغیر مستقل، اعتماد اجتماعی با ضریب تاثیر رگرسیونی  $(\beta = ۰/۴۳)$ ، مهم‌ترین تبیین‌کننده مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان بوده است و متغیرهای سن، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و وضعیت تاهل به ترتیب به عنوان تبیین‌کننده‌های بعدی متغیر وابسته می‌باشند.

**واژگان کلیدی:** مشارکت سیاسی- اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، اعتماد اجتماعی پوتنام.

E-Mail: A\_shekarbeugi@yahoo.com

E-Mail: Bh.Panahi@yahoo.com

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

## مقدمه

مسئله‌ی جایگاه زن و نقش او در نظام اجتماعی جدید که زیر عنوان مردم‌سالاری معنی می‌شود، ریشه‌های عمیقی در تاریخ، سنت، مذهب و نظام‌های کهن اعصار و قرون گذشته دارد. مردم‌سالاری در عادات و آداب و سنن و رسوم اقوام و قبایل و باورها و اسطوره‌سازی‌ها و تقسیم کار جنسیتی که در عصر جدید مورد تردید و بحث و گفت‌وگو واقع شده به‌صورت ناتمام و ناقص در جوامع مدرن به ظاهر حل شده است، اما در محیط‌های غیر دموکراتیک که مردم‌سالاری (مدرن) مورد تردید و شک و حتی مورد بغض و کینه سنت‌گرایان واقع شده، به زحمت می‌توان پذیرفت که زن توانسته است پایگاه اجتماعی و سیاسی روشن و شفافی بیابد و بتواند احقاق حقوق از دست رفته‌ی خود را به عنوان یک موجود زنده صاحب اختیار و محق و سزاوار عدالت و آزادی به‌دست آورد. «قدر مسلم هنگامی می‌توانیم از یک جامعه‌ی مردم‌سالار و آزاد، سخن بگوییم که نیمه‌ی دیگر جامعه که زنان آن را تشکیل می‌دهند، آگاهانه در جامعه‌ی سیاسی مشارکت داشته باشند» (توسلی، ۱۳۸۴: ۴۲).

گفتمان زن و دموکراسی بدون شک از مجموعه روند تحولات اجتماعی و فرهنگی کل جامعه جدا نیست و برعکس همه‌ی جنبش‌ها و اعمال اصلاحات اعم از اصلاحات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی که جامعه‌ی ایران طی یک‌صد سال گذشته در جست‌وجوی آن بوده، به‌صورت انقلابی مسالمت‌جویانه و با مبارزات مدنی نیاز بدان را فریاد و تکرار کرده است. این گفتمان، در بطن خود، حقوق و مطالبات زنان را که مورد ظلم مضاعف واقع شده‌اند نیز در بر می‌گرفته است. در نظام گذشته و سنتی، زن به لحاظ اجتماعی و سیاسی، جز در چارچوب خانواده و مقام مادری و همسری، وظیفه‌ی اجتماعی دیگری بر عهده نداشته است. این قاعده جز در موارد استثنایی و خاص در اکثر جوامع اعم از جوامع بدوی خط و سواد تا جوامع پشرفته‌ی صنعتی که دموکراسی در آن تا حدی صادق است.

عواملی همچون گسترش شهرنشینی، افزایش سطح سواد و تحصیلات، پیشرفت دموکراسی در قانون و در عمل اجتماعی، گسترش انجمن‌های داوطلبانه<sup>۱</sup> و علاقه و پایداری حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی و پذیرش استقلال نسبی زن به عنوان یک شهروند آزاد و به وجود آمدن تعادل بین کارخانه و کار و اشتغال بیرون و به‌خصوص خودباوری زنان و افزایش سطح فرهنگ سیاسی آنان و نقش تربیتی و تأثیری که بر فرزندان و شوهران می‌تواند باقی گذارند جزو عوامل مثبت و اثر بخش در افزایش مشارکت زنان به حساب می‌آیند.

تجربه جنبش زنان حاکی از آن است که عوامل بازدارنده، همچون اصرار در حفظ روابط سنتی، منحصر ساختن مشارکت زن به کار خانگی و بی‌تفاوتی بخش مهمی از آنان نسبت به مسایل سیاسی کشور و نارسایی و عدم وجود نهادها و مؤسسات آموزش فرهنگی، ایجاد محدودیت مشارکت در فعالیت‌هایی که به فعالیت‌های مردانه معروف شده‌اند، اثربخشی و حضور سازنده زنان در جامعه را در شرایط فعلی به حداقل خود تقلیل می‌دهد. به هر صورت و علیرغم موانع کنونی، با ورود فزاینده زنان به عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی، باید انتظار داشت که آنان برای ضمانت حضور مداوم خویش، حفاظت سیاسی و دفاع از حقوق خود در آینده‌ی نزدیک را نهادینه کنند و بتوانند به استقرار و رشد دموکراسی در معنای جامع و وسیع آن نقش تاریخی خود را ایفا کنند.

<sup>۱</sup> NGO

هدف اصلی این تحقیق به تبعیت از عنوان تحقیق، « شناسایی عوامل اجتماعی موثر در مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان در شهر گنبد » است. علاوه بر هدف اصلی یاد شده این تحقیق در پی دستیابی به برخی از اهداف دیگر نیز می‌باشد. این اهداف که می‌توان آن‌ها را اهداف فرعی نامید عبارتند از:

- تلاش برای سنجش میزان مشارکت زنان شهر گنبد کاووس.
- توصیف میزان مشارکت زنان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (نظیر سن، میزان سواد، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و ...).

- شناسایی عوامل اجتماعی موثر در مشارکت زنان در شهر گنبد کاووس.
- سوالات طرح شده در زمینه اهداف از پیش تعیین شده به صورت زیر می‌باشد:
- آیا سن زنان در مشارکت سیاسی-اجتماعی آنان تاثیر دارد؟
- آیا وضعیت تاهل زنان در مشارکت سیاسی-اجتماعی آنان تاثیر دارد؟
- آیا میزان اعتماد اجتماعی زنان در مشارکت سیاسی-اجتماعی آنان تاثیر دارد؟
- آیا پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان در مشارکت سیاسی آنان تاثیر دارد؟
- آیا وضعیت تاهل زنان در اعتماد اجتماعی آنان تاثیر دارد؟
- آیا سن زنان در اعتماد اجتماعی آنان تاثیر دارد؟
- آیا پایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان در اعتماد اجتماعی آنان تاثیر دارد؟

«انتخابات به عنوان منصف ظهور مشارکت بوده و شرکت در انتخابات در اکثر کشورها یکسان است. بدین صورت که مردان بیشتر از زنان، آموزش دیده‌ترها بیش‌تر از کمتر آموزش دیده‌ها، شهرنشینان بیشتر از روستاییان، ۳۵-۵۵ ساله‌ها بیشتر از جوانان و پیران، متاهلین بیشتر از مجردین، افراد دارای منزلت اجتماعی بالا بیشتر از افراد دارای منزلت اجتماعی پایین، اعضای سازمانهای مختلف بیش از غیرعضوها، در انتخابات شرکت می‌نمایند» (کاظمی پور، ۱۳۸۷: ۲۱۹-۲۱۸).

عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت به شرح زیر دسته‌بندی شده است.

- ۱- ارتباط سیاست‌های دولت با فرد؛ در این عامل منظور این است که علایق و منافع فرد تا چه حد در معرض تاثیر سیاست‌های دولت است. شش مورد از مهم‌ترین موارد عبارتند از:
  - الف) وابستگی به حکومت به عنوان کارمند آن.
  - ب) در معرض فشار اقتصادی (ناشی از اعمال دولت) قرار گرفتن.
  - پ) در معرض محدودیت‌های اقتصادی حکومتی بودن.
  - ج) دارا بودن ارزش‌های اخلاقی-مذهبی متأثر از سیاست‌های دولت.
  - د) دسترسی بر حقوق سیاسی مرتبط.
  - ر) وضعیت‌های عمومی بحرانی.
- ۲- دسترسی به اطلاعات؛ یعنی افراد چه میزان به اطلاعات مربوط به تصمیمات سیاسی و علایق و منافع خود دسترسی دارند. ابعاد این متغیر عبارتند از:
  - الف) بصیرت نسبت به اثرات سیاست‌های حکومت.

ب) آموزش شغلی و تجربی بینش عمومی.

پ) تماس و ارتباط.

ج) میزان اوقات فراغت.

۳- فشار گروهی برای مشارکت؛ یعنی فرد برای مشارکت چه میزان در معرض فشارهای اجتماعی سوق‌دهنده

است. این متغیر نیز دارای چهار بعد است که عبارتند از:

الف) محرومیت از مزایای اجتماعی و بیگانگی.

ب) قوت و قدرت سازمان سیاسی طبقات.

پ) میزان تماس‌های اجتماعی.

ج) هنجارهای گروهی مخالف با مشارکت.

۴- فشارهای گوناگون؛ یعنی اینکه در مشارکت تحت فشار گروه‌های مختلف نباشند. در این بخش سه بعد در

نظر گرفته می‌شود:

الف) منافع متضاد.

ب) اطلاعات و آگاهی متضاد.

پ) فشارهای گروه‌های متضاد (خوش فر، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

ارتباط میان فرد با دولت و گروه‌های مختلف و میزان آگاهی وی می‌تواند بیشترین میزان تاثیر را بر مشارکت فرد داشته باشد. زمانی که فرد از سیاست‌های حاکمیت و نتایج منفی و مثبت آنها مطلع و در ارتباط با گروه‌های مختلف قرار داشته باشد که هر یک از آنها به وی فشاری اجتماعی وارد سازند فرد در معرض کنش مشارکتی قرار می‌گیرد. در این جا است که فرد با آگاهی از خواست‌های خویش و تحت تاثیر فشارهای اجتماعی ناشی از گروه‌های مشارکت‌طلب و دیگر گروه‌ها تن به مشارکت در امور سیاسی- اجتماعی می‌دهد.

"میلبراث" و "گول" (۱۹۷۷) در تبیین مشارکت سیاسی از هفت عامل عمده نام می‌برند. این عوامل شامل محرک (انگیزه)، موقعیت (پایگاه) اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی، محیط سیاسی، مهارت، منابع و تعهد می‌باشند:

محرک (انگیزه): منظور این دو دانشمند از محرک، عواملی از قبیل تعلق خاطر نسبت به یک سازمان، درگیری در فعالیتهای اجتماعی و دسترسی به اطلاعات درست و ... می‌باشد. هرچه افراد بیشتر در معرض چنین محرک‌هایی قرارگیرند به همان اندازه میزان مشارکت آنها بالاتر می‌رود.

موقعیت (پایگاه) اجتماعی: از نظر این دو اندیشمند پایگاه اجتماعی با شاخص‌هایی چون میزان تحصیلات، موقعیت محل سکونت، تعلق طبقاتی و قومیت سنجیده می‌شود. و افراد با پایگاه اجتماعی بالاتر بیشتر علاقه‌مند به شرکت در مسایل سیاسی و اجتماعی هستند.

ویژگی‌های شخصیتی: منظور از ویژگی‌های شخصیتی عبارتند از خصوصیاتى چون اجتماعى بودن، برون‌گرایی و ... . افرادی با خصوصیات مذکور بیشتر خود را درگیر مسایل سیاسی می‌کنند.

محیط سیاسی: عبارت است از محیطی که افراد در آن به سر می‌برند. برای مثال فرهنگ سیاسی معینی می‌تواند

<sup>1</sup> Milbrath & Gool

افراد را نسبت به مشارکت در مسائل سیاسی تشویق کرده و یا او را باز دارد. مهارت: شامل توانایی تحلیل قدرت، سازمان‌دهی، مهارت در سخنرانی و خطابه می‌باشد. افراد با ویژگی‌های مهارتی فوق از توان مشارکتی بالاتری نسبت به بقیه برخوردارند.

منابع: به عقیده این دو محقق، منابع اشاره به منابع مالی (کمک پولی) و کمک‌های غیرنقدی دارد که می‌تواند در قالب تماس‌ها و روابط افراد با دولتمردان و سران احزاب باشد که بر مشارکت سیاسی افراد تاثیر می‌گذارد.

تعهد: «منظور از تعهد هم تعلق خاطر نسبت به یک سازمان، گروه، حزب و یا فرد خاصی است که این پیوند و دلبستگی نسبت به موارد مذکور بر مشارکت سیاسی افراد تاثیر قابل ملاحظه ای دارد» (خوش‌فر، ۱۳۸۷: ۱۲۹-۱۲۸).

مدارک و شواهد فراوان و گسترده‌ای وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه‌ای که در آن مشارکت صورت می‌گیرد فرق می‌کند. جدول زیر میزان مشارکت و عوامل مؤثر بر آن را از دیدگاه میلبراث و گوئل (۱۹۷۷) نشان می‌دهد. البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که «ویژگی‌های مطرح شده بیانگر گرایشها است نه الگوهای رفتاری مطلق. اما این گرایش‌ها بر پایه بررسی‌های متعددی بنا نهاده شده‌اند» (راش، ۱۳۸۱: ۱۳۳-۱۳۱).

جدول ۱: میزان مشارکت و عوامل مؤثر بر آن را از دیدگاه میلبراث و گوئل (۱۹۷۷)

میزان مشارکت بالا	میزان مشارکت کمتر
تحصیلات بیشتر به ویژه آموزش عالی	تحصیلات کمتر، به ویژه تحصیلات ابتدایی
طبقه متوسط	طبقه کارگر یا طبقه پایین
مردان	زنان
مسن‌تر، به ویژه میانسال	جوانتر و مسن
متاهل	مجرد
ساکنان شهری	ساکنان روستایی
اقامت طولانی‌تر	اقامت کوتاه‌تر
مشارکت اجتماعی و عضویت گروه‌ها یا سازمانها	مشارکت اجتماعی کمتر یا عضویت گروه هم ستیز
سفید پوست	غیر سفید پوست
اکثریت قومی	اقلیت قومی

"پوتنام"<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) در کتاب دموکراسی و سنت‌های مدنی اعتماد اجتماعی را به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد. شایع‌ترین شکل سرمایه اجتماعی، اعتماد است که تحت عنوان "منابع اخلاقی" شناخته می‌شود. منابعی که ذخیره‌شان در حین استفاده به جای کاهش، افزایش می‌یابد و در صورت عدم استفاده کاهش می‌یابد. هر چه دو نفر بیشتر به یکدیگر اعتماد کنند، اعتماد متقابل‌شان فزونی می‌یابد. یکی از وجوه خاص

<sup>1</sup> Robert Putnam

سرمایه‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها این است که آنها به طور معمول یک کالای عمومی‌اند، برخلاف سرمایه متعارف که یک کالای خصوصی است. یکی از اجزاء اصلی سرمایه اجتماعی اعتماد است، هر چه سطح اعتماد در جامعه بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند.

بنابراین اعتماد یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است، یک عنصر غیراختیاری و ناآگاهانه نمی‌باشد. اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. افراد برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنند بلکه افراد به این دلیل به دیگری اعتماد می‌کنند که با توجه به شناخت‌شان از خلق و خو، انتخاب‌های ممکن، تبعات‌شان و توانایی او حدس می‌زنند که او این کار را برخواهد گردید.

«در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی بر اساس اعتماد صمیمانه صورت می‌گیرد اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد» (پوتنام و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۹۳).

اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود. هنجارهایی که اعتماد را تقویت می‌کنند، توسعه می‌یابند. چرا که هزینه‌های معاملات را کاهش داده و همکاری را تسهیل می‌کند. مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل است. معامله متقابل دو نوع می‌باشد: نوع اول مبادله متوازن خوانده می‌شود که در این نوع مبادله چیزهای باارزش به طور همزمان مبادله می‌شوند. مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل‌شان را با هم عوض می‌کنند. اما معامله متقابل عمومی به رابطه تبادلی مداومی اشاره دارد که در همه حال یک طرفه و غیرمتوازن است. اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند مبنی بر این که سودی که اکنون اعطاء شده، باید در آینده پرداخت شود. برای مثال دوستی اغلب به معامله متقابل عمومی تبدیل می‌شود. «هر فردی که در نظام معامله متقابل عمل می‌کند معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را دارا می‌باشد: دوستی کوتاه مدت و حفظ منافع خود در بلندمدت» (همان منبع).

در جوامعی که در آنها مردم می‌توانند مطمئن باشند که اعتماد مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه جبران می‌شود، احتمال زیادتری برای انجام مبادلات وجود دارد. مبادلات مکرر در طی یک دوره زمانی نیز به نوبه خود توسعه یک هنجار معامله متقابل عمومی را به دنبال دارد. از سویی دیگر روابط اجتماعی مداوم نیز می‌تواند انگیزه‌هایی را برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند. هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها اساساً افقی هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند. اما بعضی دیگر، شبکه‌های عمودی هستند که شهروندان نابرابر را به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند می‌دهند.

شبکه‌های مشارکت مدنی از جمله انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب توده‌ای و ... کنش افقی شدید را به نمایش می‌گذارند. هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای مترکم‌تر باشند احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. پوتنام در جواب به این سؤال که "چرا شبکه‌های مشارکت مدنی چنین تاثیری دارند؟" چهار علت را مطرح می‌کند:

شبکه‌های مشارکت مدنی هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهد. فرصت طلبی منافعی را که فرد انتظار دارد از دیگر معاملات همزمانش و معاملات آینده نصیبش شود، به خطر می‌اندازد. شبکه‌های مشارکت

مدنی، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند. شبکه‌های مشارکت مدنی، ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل قبول بودن افراد بهبود می‌بخشند. و بدین طریق اجازه می‌دهند که حسن شهرت‌ها به دیگران انتقال یافته و پالایش شوند. شبکه‌های مشارکت مدنی، تجسم موفقیت پشتیبان در همکاری هستند که می‌توانند به عنوان یک چهارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل نمایند.

بررسی‌های پوتنام نشان می‌دهد که سنت‌های مدنی شمال ایتالیا حاوی یک منبع تاریخی از اشکال مختلف همکاری است که در گذشته ارزش خود را به اثبات رسانده‌اند و اکنون برای حل مشکلات جدید عمل جمعی در دسترس شهروندان می‌باشند. برعکس، در مناطقی که هیچ سابقه و نمونه قبلی از همکاری مدنی موفقیت‌آمیز وجود ندارد، غلبه بر موانع سوءظن و عهدشکنی مشکل‌تر است.

یک شبکه عمودی یا سلسله‌مراتبی نمی‌تواند اعتماد و همکاری اجتماعی را برقرار کند. «جریان عمودی اطلاعات اغلب غیرموتوق‌تر از جریان افقی اطلاعات هستند و بخشی از آن به این دلیل است که اطلاعات قابل اتکاء و درست مانعی برای بهره‌کشی و استعمار محسوب می‌شوند» (پوتنام و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۸۹).

## روش

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه بوده که در آن علاوه بر سؤالات مربوط به متغیرهای مستقل، متغیر وابسته، سؤالات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای نیز گنجانده شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل زنان حداقل ۱۷ سال تمام ساکن شهر گنبد کاووس در سال ۱۳۸۹ بوده است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، حجم جامعه آماری تحقیق برابر با ۴۵۷۲۲ نفر بوده است (مرکز آماری ایران، ۱۳۸۵).

حجم نمونه این تحقیق از طریق فرمول کوکران برابر با ۴۰۰ نفر محاسبه شده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. در این تکنیک کسب نمونه‌ی نهایی متضمن انتخاب چند نمونه‌ی مختلف است و به گونه‌ای انجام می‌شود که هزینه مصاحبه نهایی به حداقل برسد. کار اصلی این است که ابتدا از میان مناطق نمونه‌ای انتخاب گردد. در این تحقیق، در مرحله اول محلات شهر گنبد کاووس، به ۵ حوزه (شمال- جنوب- شرق- غرب و مرکز) تقسیم شده‌اند. در هر حوزه ۱۰ بلوک به طور تصادفی ساده انتخاب و از میان هر بلوک نیز ۸ پلاک انتخاب شد که انتخاب پلاک اول برحسب انتخاب تصادفی ساده و سایر پلاک‌ها انتخاب سیستماتیک بوده است. در مجموع ۴۲۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد که پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش ۴۰۰ پرسشنامه مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، با استفاده از نرم افزار Spss از روش‌های آماری توصیفی (نمودارها و آمارهای جداول توزیع فراوانی) و آماره‌های استنباطی (آزمون Anova، آزمون t، رگرسیون چند متغیره) استفاده شده است.

«منظور از اعتبار<sup>۱</sup> یک تحقیق، میزان دقت شاخص‌ها و معیارهایی است که در راه سنجش پدیده مورد نظر تهیه

<sup>1</sup> validity

شده‌اند» (ساروخانی، ۱۳۷۲: ۲۸۶).

برای تعیین روایی<sup>۱</sup> ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. در واقع آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود. جدول ۲ نتایج تحلیل روایی متغیر وابسته و ابعاد متغیر مستقل را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج تحلیل روایی متغیرهای اصلی تحقیق

ردیف	مقیاس / ابعاد	آلفای کرونباخ
۱	مشارکت سیاسی - اجتماعی	۰/۷۱
	مشارکت اجتماعی	۰/۷۲
	مشارکت سیاسی - اجتماعی	۰/۶۹
۲	اعتماد اجتماعی	۰/۶۵
	اعتماد به نظام سیاسی	۰/۶۰
	اعتماد به کنشگران سیاسی	۰/۶۱
۳	پایگاه اجتماعی اقتصادی	۰/۶۲
	اعتماد اجتماعی	۰/۵۹

## تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

### متغیر وابسته

در تحقیق حاضر از میان ابعاد مختلف مشارکت دو بعد مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته‌اند. بدین سان ابتدا هر یک از این دو بعد عملیاتی شده‌اند و سپس از ترکیب<sup>۲</sup> گویه‌های این دو بعد با یکدیگر متغیر مشارکت سیاسی - اجتماعی ساخته شده است. در این بخش نیاز است تا هر یک از این دو بعد مورد بررسی قرار گیرند و تعاریف آنها آورده شود. مشارکت اجتماعی مفهومی گسترده با ابعاد وسیع می‌باشد. مشارکت اجتماعی در برگیرنده انواع فعالیتهای فردی یا اجتماعی تاثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه‌های عمومی از سطوح پایین (شهرداری، نظام آموزشی و ...) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی) است. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع دربردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیرنهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است. در تحقیق حاضر برای سنجش مشارکت اجتماعی از پاسخگو خواسته شده است تا میزان کنش و اقدام مشارکتی خود را مشخص سازد. این گویه‌های مشارکتی بر اساس سوالات محقق ساخته و تنظیم شده‌اند. لذا برای سنجش مشارکت اجتماعی

<sup>1</sup> reliability

<sup>2</sup> compute



از مقیاس غفاری و نیازی (۱۳۸۶) بهره گرفته شده است. در این مقیاس از پاسخگو خواسته شده است تا میزان فعالیت مشارکتی خود را در هر یک از موارد، مشخص سازد. موارد مورد سوال عبارت بوده‌اند از: (۱) مراجعه به ادارات و مقامات مربوطه برای حل مشکلات محله/شهر یا کشور، (۲) نامه نگاری به ادارات و مقامات مربوطه در مورد حل مشکلات محله/شهر یا کشور، (۳) نگاشتن مطلب در روزنامه یا مجله در مورد حل مشکلات محله/شهر یا کشور، (۴) مشارکت در اجرای طرح های عمرانی، (۵) شرکت در تشکیل گروه یا سازمان جدید به منظور حل مشکلات اجتماعی، (۶) کمک به گروه‌ها و انجمن‌های خیریه، مذهبی، فرهنگی و ...، (۷) کمک داوطلبانه در اداره بهتر انجمن‌ها و نهادهای عمومی مانند کتابخانه‌های عمومی، مساجد و ...، (۸) کمک به مامورین حفظ نظم عمومی، (۹) کمک به مامورین حفظ بهداشت عمومی، (۱۰) مشارکت در تشکیل تیم های ورزشی و انجام مسابقات ورزشی، (۱۱) مشارکت برگزاری مراسم و جلسات مذهبی. از پاسخگویان در این بخش خواسته شده است تا میزان مشارکت خود را بر اساس: (۱) اصلاً، (۲) کم، (۳) گاهی اوقات، (۴) زیاد و (۵) همیشه ابراز دارند.

مشارکت سیاسی را می توان به طور کلی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست گذاری دانست. برای عملیاتی ساختن متغیر مشارکت سیاسی در این تحقیق از دو بعد مشارکت سیاسی- انتخاباتی و مشارکت سیاسی- غیرانتخاباتی بهره گرفته شده است. مشارکت سیاسی- انتخاباتی شامل مشارکت در انتخابات های سیاسی در گذشته و آینده می باشد که برای سنجش هر کدام از چهار گویه ( شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر و روستا، خبرگان) استفاده شده است. در این بعد، ابتدا از پاسخگویان خواسته شده است تا میزان مشارکت خویش در گذشته را بر اساس پاسخ های لیبرتی از (۱) اصلاً، (۲) کم، (۳) گاهی اوقات، (۴) زیاد و (۵) همیشه ابراز دارند.

برای سنجش مولفه های غیر انتخاباتی نیز ۹ گویه (حمایت از جناح سیاسی خاص، فعالیت در ستاد انتخاباتی، شرکت در مجالس سخنرانی کاندیداها، شرکت در راهپیمایی، عضویت رسمی در یک حزب، تلاش در جهت متقاعد کردن دیگران برای رای دادن به یک کاندیدا، تلاش برای دریافت پست سیاسی، ارتباط با سیاستمداران، شرکت در بحث های سیاسی) مورد استفاده قرار گرفته است. سنجش گویه ها بر اساس طیف لیبرتی صورت گرفته است و از پاسخگویان خواسته شده است تا میزان مشارکت خود را بر اساس: (۱) اصلاً، (۲) کم، (۳) گاهی اوقات، (۴) زیاد و (۵) همیشه ابراز دارند.

## متغیرهای مستقل

### پایگاه اجتماعی - اقتصادی<sup>۱</sup>

پایگاه اجتماعی عبارت است از "یک سازه ذهنی و ارزیابی آن با کاربرد معیارهای ارزشی- اجتماعی و رایج در جامعه صورت می گیرد. سن، جنس، وضع اجتماعی- حرفه‌ای و محیط اولیه، تعیین کننده پایگاه‌هایی متفاوتند" (بیرو، ۱۳۶۶:۳۸۱). به علاوه پایگاه اقتصادی که مشخصه آن ماهیت درآمد و حجم آن است، در تعریف پایگاه اجتماعی کافی نیست و معمولاً عواملی چون خاندان، فرهنگ، نژاد، دین و... موجبات تفویض اعتباری به رسمیت شناخته

<sup>۱</sup> socioeconomic status

شده از طرف جامعه را فراهم می سازند. این تحقیق ترکیب شناخته شده این دو متغیر با نام پایگاه اجتماعی- اقتصادی را به کار می گیرد. باید به این نکته اشاره کرد که پایگاه اجتماعی- اقتصادی در این تحقیق تنها به پایگاه اجتماعی- اقتصادی خود زنان بدون در نظر گرفتن شوهرانشان (یا خانواده‌ای که زنان تحت پوشش آن قرار دارند) اشاره دارد. این متغیر با پرسش از میزان درآمد ماهیانه، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال زنان مورد سنجش قرار گرفته است. درآمد برحسب واحد پولی رایج کشور مورد پرسش قرار گرفته است. میزان تحصیلات پاسخگو نیز براساس تعداد کلاس (سال‌هایی که درس خوانده) سنجش شده است که از رقم صفر برای افراد بی سواد تا رقم ۲۲ برای افراد دارای مدرک دکترا متغیر بوده است. از سوی دیگر برای سنجش متغیر اشتغال از پاسخگو خواسته شده تا شغل خود را ذکر کند سپس با استفاده از جدول تبیین قشریندی اجتماعی (ناییب و عبداللهیان، ۱۳۸۱) برای هریک از مشاغل نمره پرستیژ شغلی در نظر گرفته شده است.

### اعتماد اجتماعی

فرهنگ معین اعتماد را به عنوان تکیه کردن بر، واگذاشتن کار به کسی و سپردن چیزی به کسی معنا کرده است و اعتماد را به معنای وثوق به کسی یا اطمینان کردن به کار برده است. با توجه به مجموع تعاریف مطرح شده، در تحقیق حاضر اعتماد اجتماعی به عنوان "مجموعه‌ای از انتظارات، تعهدات اکتسابی و به لحاظ اجتماعی تایید شده، که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند" تعریف شده است. برای عملیاتی ساختن متغیر اعتماد اجتماعی از سه بعد بهره گرفته شده است. این ابعاد شامل اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد نهادی می باشد.

اعتماد نهادی به معنای داشتن حسن ظن به نهادهای آموزشی، خدماتی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و اعتقاد به توانمندی این نهادها در حل مسائل و نیز رضایت کلی از عملکردهای آنها می باشد. برای سنجش این بعد از اعتماد اجتماعی، نهادهای سیاسی مانند (۱) شورای نگهبان، (۲) بسیج، (۳) سپاه پاسداران، (۴) ارتش، (۵) احزاب سیاسی، (۶) دولت، (۷) دادگستری، (۸) مجلس شورای اسلامی، (۹) مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۰) نیروی انتظامی، (۱۱) شورای اسلامی شهر و روستا، (۱۲) صدا و سیما و (۱۳) مطبوعات داخلی، نهادهای آموزشی شامل (۱۴) دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، (۱۵) مدارس، نهادهای خدماتی شامل (۱۶) بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، (۱۷) مخابرات، (۱۸) اداره برق، (۱۹) آب و فاضلاب، (۲۰) اداره ثبت و اسناد، مورد سنجش قرار گرفته‌اند. اعتماد به نهادهای مذهبی نیز با ۳ گویه شامل (۲۱) روحانیت، (۲۲) هیئت‌های مذهبی و (۲۳) ستادهای امر به معروف و نهی از منکر، و اعتماد به نهادهای اقتصادی با ۳ گویه (۲۴) بانک‌ها، (۲۵) صندوق‌های قرض‌الحسنه و (۲۶) بازار بورس، عملیاتی شده‌اند.

اعتماد به کنشگران سیاسی عبارتست از اعتماد به کسانی که نقش‌های سیاسی را بر عهده دارند. برای سنجش این بعد از اعتماد اجتماعی، از شش گویه استفاده شده است که شامل (۱) اعتماد به رئیس جمهور، (۲) اعتماد به نمایندگان مجلس، (۳) اعضای شورای اسلامی شهر و روستا، (۴) مدیران ارشد استان مانند استاندار، (۵) شهردار، و (۶) نیز مسئولین سیاسی شهر مانند فرماندار می باشد.

اعتماد به نظام سیاسی نیز عبارت از نگرش مثبت نسبت به کلیت نظام می باشد. برای عملیاتی ساختن این بعد از

مقیاس "پناهی و شایگان" (۱۳۸۶) بهره گرفته شده است. این مقیاس شامل ۸ گویه می‌باشد که عبارتند از: (۱) احساس غرور به خاطر زندگی در جمهوری اسلامی ایران، (۲) دفاع از مواضع نظام در امور داخلی، (۳) دفاع از کشور در صورت بروز جنگ، (۴) دادن رای به جمهوری اسلامی در صورت برگزاری رفراندوم، (۵) نقش داشتن مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام، (۶) حفظ دین و دنیای مردم توسط قانون اساسی، (۷) به نفع مردم بودن عملکرد نظام و (۸) دفاع از عملکرد نظام در امور خارجی می‌باشد.

تمامی گویه‌های مربوط به اعتماد اجتماعی بر اساس طیف لیکرت تنظیم گردیده است که برای هر گویه پاسخ‌های (۱) خیلی زیاد، (۲) زیاد، (۳) متوسط، (۴) کم و (۵) خیلی کم، در نظر گرفته شده است.

### وضعیت تاهل

وضعیت تاهل به وضعیت فرد از نظر ازدواج بستگی دارد. این متغیر در سطح اسمی مورد سنجش قرار گرفته است. برای سنجش این متغیر از پاسخگو خواسته شده است تا وضعیت کنونی ازدواج خویش را بیان دارد. پاسخ‌ها عبارت بوده اند از: (۱) هرگز ازدواج نکرده، (۲) بیوه، (۳) مطلقه، (۴) ازدواج اول، (۵) ازدواج دوم یا بیشتر. به علاوه گزینه سایر موارد نیز آورده شده است تا در صورتی که فرد دارای هرگونه وضعیت خاص دیگری می‌باشد آن را شرح دهد.

### سن

منظور از سن تعداد سال‌هایی است که از زمان تولد فرد گذشته است. از آنجا که قرار گرفتن افراد در سنین مختلف بر میزان مشارکت آنان تأثیر به‌سزایی دارد و همچنین این متغیر از متغیرهایی است که در تحقیق حاضر به سبب موضوع و عنوان تحقیق، سنجش آن الزامی است، در این تحقیق، از پاسخگویان خواسته شده است تا سن خود را گزارش کنند.

### یافته‌ها

در مجموع، ۲۷۶ نفر (۶۹ درصد) از پاسخگویان مشارکت اجتماعی در حد متوسط، ۷۱ نفر (۱۷/۸ درصد) در حد زیاد و ۵۳ نفر (۱۳/۲ درصد) در حد کم داشته‌اند. لذا می‌توان دریافت که اکثریت پاسخگویان دارای میزان مشارکت اجتماعی-سیاسی در حد متوسط بوده‌اند.

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب مشارکت اجتماعی - سیاسی

مشارکت اجتماعی - سیاسی	تعداد	درصد
کم	۵۳	۱۳/۲
متوسط	۲۷۶	۶۹/۰
زیاد	۷۱	۱۷/۸
جمع	۴۰۰	۱۰۰

مهمترین روش آماری در تحلیل‌های علی‌رشد رگرسیون می‌باشد. رگرسیون برای بدست آوردن معادله‌ای

است که با استفاده از آن به پیش‌بینی متغیر وابسته پرداخته می‌شود. در این تحقیق برای تعیین اثر متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیره جبری<sup>۱</sup> (همزمان) استفاده شده است که در آن تمامی متغیرهای مستقل تحقیق (شامل سن، وضعیت تاهل، اعتماد اجتماعی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی) به طور همزمان وارد معادله می‌شوند.

جدول ۴: ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان

متغیر	B	Beta	t	sig
اعتماد اجتماعی	۵/۶۹۵	۰/۴۳۲	۱۱/۸۸	۰/۰۰۰۰
پایگاه اجتماعی اقتصادی	۰/۵۸۹	۰/۲۶۱	۷/۲۷۶	۰/۰۰۰
سن	۲/۹۴۸	۰/۲۳۶	۵/۹۴۶	۰/۰۰۰
وضعیت تاهل	۴/۱۶۵	۰/۲۰۰	۱۵/۴۳۳	۰/۰۰۰
			Adjusted R = ۰/۶۰	
ضریب = ۰/۶۱ تعیین (R <sup>۲</sup> )		ضریب همبستگی (R) = ۰/۷۸		Square (ضریب تعیین تعدیل شده)

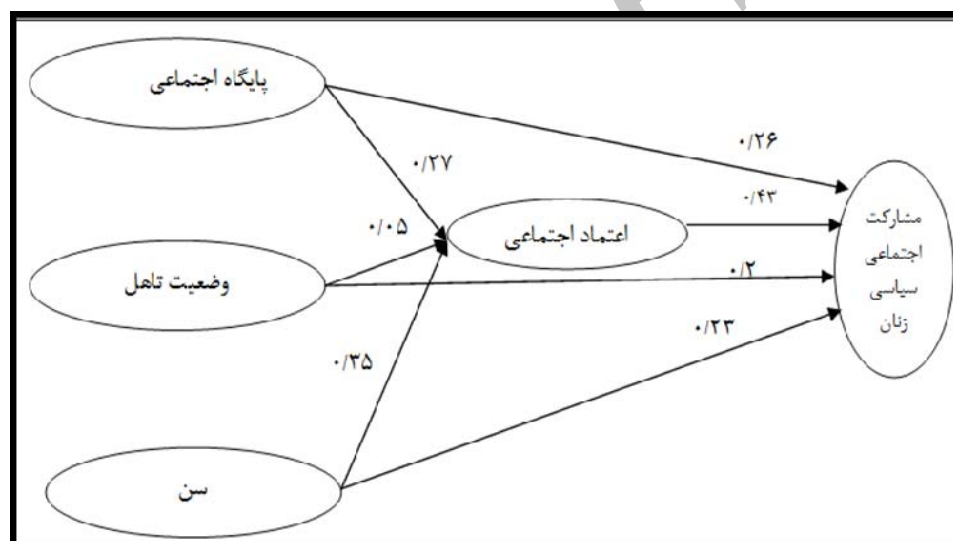
داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل ۰/۷۸ محاسبه شده که بیانگر این مطلب است که چهار متغیر سن، وضعیت تاهل، اعتماد اجتماعی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی به طور همزمان ۰/۷۸ مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین (R<sup>۲</sup>) معادل ۰/۶۱ محاسبه شده است، یعنی حدود ۶۱ درصد از تغییرات مشارکت زنان از طریق متغیرهای چهارگانه مذکور توضیح داده می‌شود و ۳۹ درصد باقی مانده متعلق به عوامل دیگری می‌باشد که خارج از این بررسی هستند. نسبت F مشاهده شده مبنی بر آزمون معنی‌داری ضریب تعیین معادل ۱۰۳/۴۶۳ محاسبه شده است که در سطوح بسیار بالای آماری معنی دار است (sig = ۰/۰۰۰).

برای تشخیص اینکه سهم کدامیک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی متغیر وابسته یعنی مشارکت زنان بیشتر است و سهم کدامیک کمتر، باید به جدول رگرسیونی مراجعه شود. در جدول معادله رگرسیونی اهمیت نسبی هر متغیر مستقل در توضیح تغییرات وابسته با مشاهده مقدار ضرایب یا وزن‌های رگرسیونی به دست می‌آید. علامت منفی وزن‌های رگرسیون اعم از ضرایب خام یا غیر استاندارد و ضرایب استاندارد نشان دهنده تأثیر منفی و معکوس متغیرهای مستقل بر مشارکت زنان است. بر اساس جدول فوق هیچ یک از متغیرها دارای تأثیر منفی نمی‌باشند. ضرایب تأثیر استاندارد نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی با ضریب تأثیر رگرسیونی (Beta=۰/۴۳۲)، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده مشارکت زنان می‌باشد. در رتبه دوم، متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی با ضریب استاندارد رگرسیونی (Beta=۰/۲۶۱) قرار دارد که نسبت به دو متغیر دیگر یعنی منابع سن و وضعیت تاهل قدرت پیش‌بینی بیشتری دارد. در رتبه سوم متغیر سن قرار دارد که با ضریب استاندارد رگرسیونی (Beta=۰/۲۳۶) نسبت به متغیر دیگر یعنی وضعیت تاهل دارای قدرت تبیین بیشتری می‌باشد. در مرتبه آخر نیز وضعیت تاهل با ضریب تأثیر

<sup>۱</sup> enter

رگرسیون  $(\text{Beta}=0/2)$  قرار دارد که کمترین قدرت پیش‌بینی را در بین چهار متغیر مستقل موجود در مدل داراست. «تحلیل مسیر روشی است برای مطالعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهایی که علت در نظر گرفته شده‌اند و متغیرهایی که معلول فرض گردیده‌اند» (کرلینجر، ۱۳۷۶: ۴۰۶). باید توجه داشت که از تحلیل مسیر در کشف علت‌ها استفاده نمی‌شود، بلکه این روش در مورد مدل‌هایی بکار می‌رود که بر مبنای دانش ملاحظات نظری تدوین شده باشند. به عبارت دیگر تحلیل مسیر برای آزمون مدل‌های علی به کار می‌رود و مستلزم تنظیم مدلی به صورت نمودار علی است و به ما کمک می‌کند ببینیم در پی چه چیزی هستیم. در تحلیل مسیر از رگرسیون استفاده می‌شود، از اینرو می‌توان میزان مناسب بودن مدل را ارزیابی کرد و با استفاده از وزن بتا (که در تحلیل مسیر ضریب مسیر خوانده می‌شود) مقدار اثر هر متغیر را تعیین کرد. علاوه بر این، تحلیل مسیر ما را قادر می‌سازد به ساز و کار اثر متغیرها بر یکدیگر پی ببریم و مشخص می‌کند اثر هر متغیر تا چه حد مستقیم است و تا چه حد غیرمستقیم. بدین ترتیب، «تحلیل مسیر به طریق قابل فهم و ساده‌ای اطلاعات زیادی درباره فرآیندهای علی فراهم می‌آورد» (دواس، ۱۳۸۵: ۲۲۲). در شکل ۱ تحلیل مسیر مشارکت سیاسی-اجتماعی به نمایش گذاشته شده است.

شکل ۱: مدل تحلیل مسیر مشارکت سیاسی اجتماعی زنان



## بحث

به منظور آزمون فرضیات پژوهش، مشارکت سیاسی و اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در ارتباط با متغیرهای سن، اعتماد اجتماعی، وضعیت تاهل و پایگاه اجتماعی اقتصادی قرار گرفت. جهت تبیین ارتباط متغیرها با یکدیگر و سهم هر متغیر در تعیین متغیر وابسته، از آزمون‌های متناسب با سطح سنجش آن‌ها و همچنین روش‌های آماری رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است. از تجزیه و تحلیل یافته‌ها در قالب روش‌های آماری فوق، نتایج زیر بدست آمده است.

۱) فرضیه اول: رابطه مستقیم و معنادار را بین سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان و مشارکت سیاسی- اجتماعی آنان بیان می‌کند. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه مستقیم و معناداری میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان و مشارکت سیاسی- اجتماعی مشاهده شده است. این بدین معناست که با افزایش سطح پایگاه اجتماعی- اقتصادی زنان، میزان مشارکت آنان در امور اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر هر قدر، زنی از پایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد، از فرصت بیشتری برای حضور در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی برخوردار است و بدین‌سان میزان حضور وی در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی افزون خواهد گشت. بر اساس مطالب مطرح شده در فصل سوم، این نتیجه با نظریات میلبراث و گوئل (۱۹۷۷) هم‌خوانی دارد که بر اساس نظریات آنها پایگاه اجتماعی با شاخص‌هایی چون میزان تحصیلات، موقعیت محل سکونت، تعلق طبقاتی و قومیت سنجیده می‌شود و زنان با پایگاه اجتماعی بالاتر بیشتر علاقه‌مند به شرکت در مسایل سیاسی و اجتماعی هستند.

۲) فرضیه دوم: در مورد رابطه مستقیم و معنادار بین سن زنان و مشارکت سیاسی- اجتماعی آنان مطرح شده است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه مستقیم و معناداری میان سن و مشارکت سیاسی- اجتماعی مشاهده شده است. این بدین معناست که با افزایش سن زنان، میزان مشارکت آنان در امور اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد. این نتیجه مطابق یافته‌های میلبراث و گوئل (۱۹۷۷) است. آنان معتقدند که مدارک و شواهد فراوان و گسترده‌ای وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق سنی که در آن مشارکت صورت می‌گیرد فرق می‌کند. البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که متغیر سن مطرح شده از سوی این دو متفکر بیانگر این است که با افزایش سن، میزان گرایش محافظه کارانه افراد افزایش می‌یابد و سعی می‌کنند برای پابرجایی نظام حاکم میزان مشارکت خود را افزایش دهند. بنابراین، متغیر سن بیانگر نوعی گرایش است نه الگوی رفتاری مطلق.

۳) فرضیه سوم: رابطه مستقیم و معنادار میان وضعیت تاهل و میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان را بیان می‌سازد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه مستقیم و معناداری میان وضعیت تاهل و مشارکت سیاسی- اجتماعی مشاهده شده است. این بدین معناست که با تغییر از وضعیت مجرد به تاهل، میزان مشارکت آنان در امور اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد. بر اساس مطالب مطرح شده در فصل سوم، این نتیجه با نظریات میلبراث و گوئل هم‌خوانی دارد که بر اساس نظریات آنها زنان متاهل با گرایشهای محافظه کارانه بیشتر از جوانان به حفظ وضعیت تمایل دارند. نکته حائز اهمیت در اینجاست که مشارکت بیشتر در انتخابات‌ها سبب شده است تا میزان مشارکت زنان مسن بیشتر از زنان جوان به نظر بیاید لذا نباید از نظر دور داشت که در بخش مشارکت اجتماعی تفاوت چندانی میان زنان مسن و جوان مشاهده نشده است.

۴) فرضیه چهارم: رابطه مستقیم و معنادار اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان را بیان می‌سازد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه، رابطه مستقیم و معناداری میان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی- اجتماعی مشاهده شده است. این بدین معناست که هر چه اعتماد اجتماعی زنان افزایش یابد به همان میزان مشارکت آنان در امور سیاسی و اجتماعی افزایش می‌یابد. بر پایه نظریه پوتنام (۱۹۹۳) می‌توان گفت در جامعه‌ای که افراد مطمئن باشند اعتماد آنها مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد بلکه جبران می‌شود، احتمال زیادتری برای انجام مبادلات وجود دارد. مبادلات مکرر در طی یک دوره زمانی نیز به نوبه خود توسعه یک هنجار معامله متقابل عمومی

را به دنبال دارد. از سویی دیگر روابط اجتماعی مداوم نیز می تواند انگیزه‌هایی را برای قابل اعتماد بودن ایجاد کند. هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها اساساً افقی هستند و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند. اما بعضی دیگر، شبکه‌های عمودی هستند که شهروندان نابرابر را به وسیله روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب و وابستگی به هم پیوند می‌دهند. البته در جهان واقعی تقریباً همه شبکه‌ها مخلوطی از عمودی و افقی هستند. به نظر پوتنام، شبکه‌های مشارکت مدنی از جمله انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، احزاب توده‌ای و ... کنش افقی شدید را به نمایش می‌گذارند. هر چه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند.

۵) **فرضیه پنجم:** درباره‌ی ارتباط مستقیم و معنادار بین سن و اعتماد اجتماعی مطرح شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن است که میان سن و اعتماد اجتماعی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بر این اساس، افرادی که سن بالاتری دارند، میزان اعتماد اجتماعی شان نیز در سطح بالاتری قرار دارد. بر این اساس با افزایش سن افراد میزان اعتماد آنها به شبکه روابط و نهادها افزایش می‌یابد. به اعتقاد پوتنام، اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است یک عنصر غیراختیاری و ناآگاهانه نمی‌باشد. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. افراد برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنند بلکه افراد به این دلیل به دیگری اعتماد می‌کنند که با توجه به شناخت‌شان از خلق و خو، انتخاب‌های ممکن، تبعات‌شان و توانایی او حدس می‌زنند که او این کار را برخواهد گزید. در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی بر اساس اعتماد صمیمانه صورت می‌گیرد اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد.

۶) **فرضیه ششم:** درباره‌ی ارتباط مستقیم و معنادار بین وضعیت تاهل زنان و اعتماد اجتماعی آنان مطرح شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن است که میان وضعیت تاهل زنان و اعتماد اجتماعی آنان ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بر این اساس، افرادی که متاهل هستند بیش از افراد مجرد از اعتماد اجتماعی برخوردار هستند. به نظر پوتنام اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی ناشی می‌شود. هنجارهایی که اعتماد را تقویت می‌کنند، توسعه می‌یابند. چرا که هزینه‌های معاملات را کاهش داده و همکاری را تسهیل می‌کند. مهم‌ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل است. معامله متقابل دو نوع می‌باشد: نوع اول مبادله متوازن خوانده می‌شود که در این نوع مبادله چیزهای با ارزش به طور همزمان مبادله می‌شوند. مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیل‌شان را با هم عوض می‌کنند. اما معامله متقابل عمومی به رابطه تبادلی مداومی اشاره دارد که در همه حال یک طرفه و غیرمتوازن است اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند مبنی بر این که سودی که اکنون اعطاء شده، باید در آینده پرداخت شود. برای مثال دوستی اغلب به معامله متقابل عمومی تبدیل می‌شود. هر فردی که در نظام معامله متقابل عمل می‌کند معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را دارا می‌باشد: دوستی کوتاه مدت و حفظ منافع خود در بلندمدت. در شرایطی که افراد متاهل می‌گردند، این شبکه بیش از زمان مجرد تقویت می‌گردد و لذا فرد اعتماد اجتماعی بیشتری به دست خواهد آورد.

۷) فرضیه هفتم: درباره‌ی ارتباط مستقیم و معنادار بین پایگاه اجتماعی اقتصادی زنان و اعتماد اجتماعی آنان مطرح شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن است که میان پایگاه اجتماعی-اقتصادی و اعتماد اجتماعی ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. بر این اساس، زنانی که از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری دارند، میزان اعتماد اجتماعی شان نیز در سطح بالاتری قرار دارد. بر این اساس با افزایش پایگاه اجتماعی-اقتصادی میزان اعتماد آنها به شبکه روابط و نهادها افزایش می‌یابد.

Archive of SID



## منابع

- بیرو، آلن. (۱۳۶۶). *دایره‌العارف علوم اجتماعی*. تهران: نشر اطلاعات.
- پناهی محمدحسین، شایگان فریبا. (۱۳۸۶). *اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی*. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۳۷، ص ۷۳-۱۰۸.
- پوتنام، روبرت. لئوناردی، روبرت. نانتی، رافائلا. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت های مدنی، تجربه های ایتالیا و درس هایی برای کشورهای در حال گذار*. (محمدتقی دلفروز، مترجم). تهران: نشر روزنامه سلام.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۴). *نظریه های جامعه شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- خوش فر، غلامرضا. (۱۳۸۷). *تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی، مطالعه موردی استان گلستان*. پایان نامه مقطع دکترای جامعه شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- دواس، دی.ای. (۱۳۸۵). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. (هوشنگ ناییبی، مترجم). تهران: نشر نی.
- راش، مایکل. (۱۳۸۱). *جامعه و سیاست*. (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۲). *روشهای تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۸۷). *نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی کننده در مشارکت سیاسی زنان*. مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- کرلینجر، فرن.ان. (۱۳۷۶). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*. (شریفی و نجفی زند، مترجمان). تهران: آوای نور.
- غفاری، غلامرضا. نیازی، محسن. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی مشارکت*. تهران: نشر نزدیک.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان گنبدکاووس استان گلستان*.
- ناییبی، هوشنگ. عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۱). *تبیین قشر بندی اجتماعی*. نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۰، ص ۲۰۵-۲۳۶.